

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

کار تحقیقی ۲

موضوع: مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون جرایم رایانه ای

گردآورنده: مرتضی دیندار

استاد مربوطه: دکتر حسن مرادی

بهار ۱۳۸۹

به نام خداوند بخشایشگر توانا

پیشگفتار

قانون جرایم رایانه ای سرانجام در سال ۱۳۸۸ تصویب شد تا کشور ما گامی دیگر در مبارزه با پدیده جرم بردارد. با تصویب این قانون دیگر لازم نیست قضات جرایم ارتكابی را با مواد قانونی قبل از تصویب قانون جرایم رایانه ای تطبیق دهند. چه بسا این تلاش آنها ره به جایی نمی برد و نتیجه آن تباهی حقوق بزه دیدگان و جامعه در برابر بزهکاران می شد. اگرچه این قانون کاستی هایی دارد ولی همینکه کشور ما دارای قانونی برای جرایم رایانه ای شده است، جای بسی امیدواری به آینده داستان مبارزه همیشه با بزهکاران دارد.

فصل ششم این قانون به یکی از بحث برانگیزترین مباحث حقوق کیفری یعنی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مربوط می شود که می توان گفت در مقایسه با قوانین قبلی کاملتر نگاشته شده است. روشن کردن زوایای گوناگون مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مهمترین هدف این کار تحقیقی بوده است و نگارنده آن به دلیل فقدان منبعی در این زمینه، تلاش کرده تا با تکیه بر قانون و تفسیر آن مطالب را بر روی کاغذ بیاورد.

در گفتار نخست شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون جرایم رایانه ای مورد بررسی قرار گرفته است. در گفتارهای بعدی به ترتیب مجازات اشخاص حقوقی در قبال ارتكاب جرایم رایانه ای، تکرار جرم در قانون جرایم رایانه ای، قوانین دیگری که در آنها برای اشخاص حقوقی مسئولیت کیفری پیش بینی شده است و در نهایت فواید پیش بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است.

گفتار نخست - شرایط تحقق مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی

ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه ای برای تحقق مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی شرایطی را مقرر کرده که در زیر مورد بررسی قرار می گیرد:

۱. نوع جرم ارتكابی رایانه ای باشد - با توجه به ماده ۱۹ اشخاص حقوقی تنها زمانی مسؤلیت کیفری دارند که جرم ارتكابی یک جرم رایانه ای باشد.

۲. مرتکب جرم مدیر یا کارمند شخص حقوقی و یا کسی باشد که با دستور مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم شده باشد و یا اینکه تمام یا بخشی از فعالیت شخص حقوقی به ارتكاب جرم اختصاص یافته باشد - این موارد به طور جداگانه مورد بررسی قرار می گیرند:

۲-۱. مرتکب جرم مدیر باشد - تبصره ۱ ماده ۱۹ مدیر را کسی تعریف می کند که اختیار تصمیم گیری یا نمایندگی و یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد. در ابتدا لازم است گفته شود؛ بهتر بود مقنن به جای واژه «کسی» از واژه «شخصی» استفاده می کرد، چرا که اشخاص حقوقی نیز می توانند مدیر باشند.^۱ از سوی دیگر مطابق این تعریف مجامع عمومی و بازرسان شرکت سهامی نیز مدیر محسوب می شوند.

مطلب قابل ذکر این است که اگر اشخاص تصمیم گیرنده، بیش از یکی باشند، در صورتی که هر یک به تنهایی اختیارات تصمیم گیری داشته باشند، انجام جرم از سوی یکی از آنها برای تحقق مسؤلیت کیفری شخص حقوقی کافی است. ولی اگر به موجب مقررات حاکم بر شخص حقوقی لازم باشد که تصمیمات به اتفاق یا اکثریت اعضا گرفته شود، در این صورت چه کسی یا چه کسانی باید جرم را انجام دهند؟ یک تفسیر آن است که جرم را باید آن تعداد

۱. ماده ۱۱۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷.

اشخاصی که رأی موافق آنها برای اتخاذ تصمیم در سازمان شخص حقوقی کافی است، با مشارکت هم انجام دهند. زیرا یک نفر اختیار تصمیم گیری ندارد و اجتماع مدیران است که می توانند تصمیم گیری کنند. از سوی دیگر مباشرین جرم، باید مطابق قواعد عام جزایی، دارای مسئولیت کیفری شناخته شوند؛ برای مثال مستی یکی از اعضا در هنگام ارتکاب جرم، مانع تحقق مفهوم مشارکت در جرم خواهد شد (به شرطی که فقدان او تعداد اشخاص شرکت کننده در جرم را از تعداد اشخاصی که رأی موافق آنها برای تصمیم گیری کافی است، کمتر نماید). این تفسیر گرچه به نفع متهم خواهد بود، ولی راه را برای سؤاستفاده اشخاص حقوقی باز خواهد کرد؛ برای مثال اگر همه اعضای هیئت مدیره با ارتکاب جرم موافق باشند و تنها یکی از آنها جرم را انجام دهد، شخص حقوقی طبق هیچ بند ماده ۱۹ قابل مجازات نیست، در حالیکه هیچ کس در شایستگی شخص حقوقی برای تحمل مجازات تردیدی نخواهد کرد. از سوی دیگر این راه حل در مواردی کاربرد دارد که تعداد اعضای تصمیم گیرنده کم باشد تا بتوانند با مشارکت هم جرم را انجام دهند. ولی در مواردی که تعداد اعضا زیاد است؛ برای مثال مجامع عمومی سهامداران، تصور اینکه اکثریت یا تمام سهامداران با مشارکت هم جرم را انجام دهند مشکل است. در اینجا نمی توان تصور کرد که هیئت مدیره بتواند به شخصی نمایندگی دهد تا جرمی را به نام و حساب هیئت مدیره انجام دهد و آثار جرم دامنگیر هیئت مدیره شود. زیرا اعطای نمایندگی برای اعمال حقوقی است، در حالیکه ارتکاب جرم یک واقعه حقوقی است. از طرفی آثار جرم دامنگیر نماینده نیز می شود که این برخلاف قواعد نمایندگی است. حتی اگر هیئت مدیره به یکی از اعضای خود دستور ارتکاب جرمی را بدهد، باز عمل مشمول بند «الف» قرار نمی گیرد، بلکه مشمول بند «ج» خواهد بود. ولی اگر هیئت مدیره به موجب مقررات حاکم بر شخص حقوقی اختیار داشته باشد که اختیار تصمیم گیری را به یک نفر واگذار کند، در این صورت ارتکاب جرم توسط آن شخص برای تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی کافی است.

از سوی دیگر می توان گفت ماده منصرف به موردی است که تنها یک شخص در سازمان شخص حقوقی دارای اختیار تصمیم گیری است و یا اگر به بیش از یک تن اختیار تصمیم گیری داده شده است هر کدام به تنهایی اختیار تصمیم گیری دارند. ولی اگر تصمیمات باید به اتفاق یا اکثریت اعضا گرفته شود، ارتکاب جرم از سوی هریک از اعضا برای تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی کافی است. اشکال این تفسیر همان طور که گفته شد این است که یک نفر اختیار تصمیم گیری ندارد و اجتماع اعضاست که اختیار تصمیم گیری دارند.

تفسیر سوم این است که در مورد مجامع عمومی جرم را باید آن تعداد اشخاصی که رأی موافق آنها برای اتخاذ تصمیم در سازمان شخص حقوقی کافی است، با مشارکت هم انجام دهند؛ ولی در مورد هیئت مدیره به معنای اخص (رکن اداره کننده) انجام جرم از سوی هر یک از اعضا کافی است.

در مورد ناظر شخص حقوقی، حتی اگر بیش از یک نفر باشند، ارتکاب جرم از سوی یکی از آنها برای تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی کافی است، زیرا در نظارت بحث رأی گیری و اکثریت در تصمیم گیری مطرح نمی شود، بنابراین حتی اگر وظیفه نظارت برعهده چندین شخص باشد، باز هم به هر یک از آنها عنوان ناظر اطلاق می شود.

در صورتی که نماینده بیش از یک نفر باشد، اگر هر یک از نمایندگان به تنهایی اختیار نمایندگی داشته باشند، انجام جرم از سوی یکی از نمایندگان، برای تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی کافی است. ولی اگر هیچ کدام به تنهایی اختیار نمایندگی نداشته باشند، لازم است جرم به مباشرت همه نمایندگان انجام شود.

۲-۲. مرتکب جرم کارمند باشد - مطابق بند «ب» ماده ۱۹ شخص حقوقی وقتی از ارتکاب جرم توسط کارمند خود مسئولیت کیفری می یابد که کارمند جرم را در اثر عدم

نظارت مدیر شخص حقوقی و یا با اطلاع او انجام داده باشد. پرسشی که ممکن است مطرح شود این است که آیا صرف اطلاع مدیر از ارتکاب جرم کافی است یا اینکه علاوه بر آگاهی از ارتکاب جرم، لازم است از ارتکاب جرم نیز رضایت داشته است؟ فرض کنید آبدارچی شرکت به مدیر شرکت اطلاع می دهد کارمندی در حال تخریب داده های شرکت رقیب است، مدیر برای جلوگیری از ارتکاب جرم به اتاق کارمند مزبور می رود و بعد از بحث و جدل و درگیری فیزیکی با کارمند، توسط ضربه ای که کارمند به سر او وارد می کند، بیهوش می شود و در نهایت، کارمند جرم را به پایان می رساند؛ حال آیا به صرف اطلاع مدیر از ارتکاب جرم می توان شخص حقوقی را دارای مسئولیت کیفری دانست؟ ظاهر ماده ۱۹ به پرسش فوق پاسخ مثبت می دهد؛ اما تفسیر به نفع متهم و تفسیر منطقی ماده، پرسش بالا را با پاسخ منفی روبرو می کند. توضیح آنکه دلیل وضع بند «ب» این بوده که مدیر شخص حقوقی در صورت آگاهی مانع ارتکاب جرم شود و کارمندان شخص حقوقی با خیالی آسوده به سراغ جرم نروند. از طرفی مدیران نمایندگان شخص حقوقی هستند و تقصیر آنها تقصیر شخص حقوقی محسوب می شود؛ در حالیکه در اینجا شخص حقوقی تقصیری مرتکب نشده است؛ چون مدیران تقصیری مرتکب نشده اند. آیا در این صورت می توان مدیری که در جلوگیری از ارتکاب جرم ناتوان بوده را به صرف آگاهی از ارتکاب جرم مقصر دانست و شخص حقوقی را مجازات کرد. بنابراین لازم است ثابت شود که مدیر از ارتکاب جرم رضایت داشته است.

مطلبی که باید به آن توجه کرد این است که اگر مدیری بداند کارمندی در حال ارتکاب جرم است ولی نداند نوع جرم چیست یا اینکه کارمندی به مدیر اطلاع دهد که قصد ارتکاب جرمی رایانه ای را دارد بدون اینکه نوع جرم را بیان کند، با جمع بودن سایر شرایط، شخص حقوقی مسئولیت کیفری دارد. زیرا در اینجا عدم اقدام مدیر در کسب آگاهی از نوع جرم به معنی رضایت او به ارتکاب مطلق جرم بوده است. حال اگر کارمند به مدیر اطلاع دهد که

برای مثال قصد دارد داده های شرکتی را تخریب کند ولی کارمند جرم جعل را انجام دهد، آیا شخص حقوقی مسئولیت کیفری خواهد داشت؟ همان طور که گفته شد بستگی به این امر دارد که آیا عدم اقدام مدیر در آگاهی از نوع جرم به معنی رضایت او به مطلق جرم بوده است یا خیر؟ در این مثال اگر اعتماد مدیر به گفته کارمند به حدی بوده است که عدم اقدام او را توجیه کند، شخص حقوقی مسئولیت نخواهد داشت. از سوی دیگر مدیر از ارتکاب جرم جعل بی اطلاع بوده است و جرم تخریب داده نیز به وقوع نپیوسته تا بتوان گفت مدیر از جرم تخریب اطلاع داشته است.

مطلب قابل ذکر در مورد عدم نظارت مدیر این است که این عدم نظارت باید ناشی از یک دلیل غیر موجه باشد. توضیح آنکه مقنن عدم نظارت ناظر را به عنوان تقصیر ناظر و در نهایت تقصیر شخص حقوقی دانسته است. حال اگر ناظر برای عدم نظارت خود دلیل موجهی داشته باشد، آیا می توان گفت تقصیری مرتکب شده است؟ فرض کنید شخص «الف» که وظیفه داشته بر کارمندان بخش معینی نظارت کند در اثر تصادف رانندگی بیهوش شده و چند روزی در این وضعیت باقی بماند؛ در نتیجه این عدم نظارت، یکی از کارمندان شرکت مرتکب جرمی شود. در این صورت آیا می توان گفت که ناظر در انجام وظیفه خود کوتاهی کرده است؟

از سوی دیگر محدوده نظارت ناظر با توجه به مقررات حاکم بر شخص حقوقی مشخص می شود و نمی توان ناظر شخص حقوقی را در همه حال موظف به نظارت بر کارمندان دانست. برای مثال اگر کارمند شرکتی در خارج از ساعات کاری بدون اطلاع ناظر شرکت به قصد سود رساندن به شرکتی که عضو آن است، داده های شرکت رقیب را تخریب کند، نمی توان گفت شرکت مسئولیت کیفری دارد، زیرا از حیطة نظارت ناظر بر کارمند خارج است. ولی اگر ناظر شرکت از ارتکاب جرم توسط کارمند با خبر باشد، حتی اگر در خارج از ساعات کاری باشد، شخص حقوقی مسئولیت کیفری خواهد داشت.

آنچه لازم است مورد توجه قرار گیرد این است که اطلاع هر یک از ارکان تصمیم گیرنده، نظارت کننده و نماینده از ارتکاب جرم کافی است و لی عدم نظارت شخصی ملاک است که به موجب مقررات حاکم بر شخص حقوقی این وظیفه را داشته باشد.

۲-۳. جرم با دستور مدیر ارتکاب یابد- پرسشی که ممکن است مطرح شود این است که اگر مدیر شخص حقوقی «الف» در سازمان شخص حقوقی «ب» نیز سمت مدیریت را داشته باشد و دستور ارتکاب جرمی را به یکی از کارکنان شخص حقوقی «ب» دهد تا جرمی را به نام و در راستای منافع شخص حقوقی «الف» انجام دهد، آیا در صورت تحقق جرم، شخص حقوقی «الف» مسئولیت کیفری دارد؟ ظاهر بند «ج» ماده ۱۹ این برداشت را به ذهن متبادر می کند، اما فلسفه وضع این بند به پرسش بالا پاسخ منفی می دهد. زیرا علت وضع این بند جلوگیری از سوءاستفاده مدیر از اختیار صدور دستوری است که شخص حقوقی به او اعطا کرده، در حالیکه مدیر اشخاص حقوقی «الف» و «ب» از اختیارات صدور دستوری که شخص حقوقی «الف» به او اعطا کرده سوءاستفاده نکرده است، از اینرو عادلانه نیست که شخص حقوقی «الف» مجازات شود. بدین ترتیب می توان این چنین نتیجه گرفت که انجام دهنده دستور باید شخصی باشد که مدیر به موجب مقررات حاکم بر شخص حقوقی، اختیار صدور دستور به او را داشته باشد. پس اگر مدیر شرکتی به مستخدم منزل خود دستور انجام جرمی را بدهد، شرکتی که مدیر عضو آن است، مسئولیت کیفری نخواهد داشت؛ چون اختیاری که مدیر برای صدور دستور به مستخدم دارد، به موجب مقررات حاکم بر شرکت به مدیر داده نشده است.

پرسش دیگری که ممکن است مطرح می شود این است که اگر مدیر دستور ارتکاب جرم خاصی را صادر کند ولی کسی که دستور مدیر را انجام می دهد جرم دیگری را انجام دهد،

۲. ماده ۱۲۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷.

آیا شخص حقوقی مسئولیت کیفری خواهد داشت؟ علاوه بر تفسیر به نفع متهم، نمی توان گفت جرمی که انجام گرفته دستور مدیر است؛ در واقع ماهیت عمل ارتكابی، با دستور مدیر یکی نیست تا بتوان گفت جرم با دستور مدیر انجام گرفته است. در واقع مرتکب دستور مدیر را انجام نداده است. البته باید احراز شود اعتماد مدیر به مأمور به اندازه ای بوده است که عدم نظارت مدیر را بر روند ارتكاب جرم توجیه کند. مگر اینکه کسی که جرم را انجام می دهد مدیر دیگری در سازمان شخص حقوقی باشد که در این صورت با جمع بودن سایر شرایط عمل مشمول بند «الف» ماده ۱۹ خواهد شد. بنابراین شرط دوم این است که مأمور همان جرمی را انجام دهد که موضوع دستور مدیر بوده است. ولی اگر مدیر دستور ارتكاب مطلق جرم را داده باشد، در این صورت با جمع بودن سایر شرایط، شخص حقوقی مسئولیت کیفری خواهد داشت. از سوی دیگر عمل مشمول بند «ب» نیز می تواند قرار گیرد به شرطی که انجام دهنده دستور کارمند باشد؛ زیرا هر کس که دستور ارتكاب جرمی را می دهد از ارتكاب آن نیز اطلاع دارد.

۴-۲. تمام یا بخشی از فعالیت شخص حقوقی به ارتكاب جرم اختصاص یافته

باشد - تنها مطلب قابل ذکر در مورد این بند «د» این است که منظور قانون گذار این بوده که شخص حقوقی با رعایت شرایط قانونی بوجود آمده است و بعد از کسب شخصیت، موضوع فعالیت خود را به ارتكاب جرم اختصاص داده باشد. زیرا به موجب قانون مدنی جهت قرارداد باید مشروع باشد،^۳ بنابراین قراردادی که موضوع آن ایجاد شخصیت حقوقی با هدف ارتكاب جرم باشد باطل است و در نتیجه شخصیتی بوجود نخواهد آمد.

۳. جرم به نام شخص حقوقی ارتكاب یابد - با توجه به ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه

ای جرم باید به نام شخص حقوقی ارتكاب یابد. اما منظور مقنن از این عبارت چیست؟ آیا

۳. ماده ۱۹۰ قانون مدنی.

مدیر یا کارمند باید هنگام ارتکاب جرم اعلام کند که جرم را به نام شخص حقوقی انجام می‌دهد؟! به نظر نگارنده منظور قانون گذار این بوده است که جرم در پرتو حمایت های شخص حقوقی ارتکاب یافته باشد.

۴. جرم در راستای منافع (مادی یا معنوی) شخص حقوقی ارتکاب یابد-

مدیر یا کارمند شخص حقوقی باید جرم را به قصد سود رساندن به شخص حقوقی انجام دهد. لازم به گفتن است که مدیر یا کارمند هم باید قصد این را داشته باشد که با ارتکاب جرم برای مثال جرم موضوع ماده ۸ داده های رایانه ای تخریب شود و هم با تخریب این داده سودی به شخص حقوقی برسد. یعنی سؤنیّت خاص مدیر یا کارمند در اینجا دو جزء دارد. اما آیا قصد سود رساندن مدیر یا کارمند برای تحقّق مسؤلیّت کیفری شخص حقوقی کافی است هر چند از این جرم هیچ سودی به شخص حقوقی نرسد یا لازم است که مدیر یا کارمند با ارتکاب جرم سودی را عاید شخص حقوقی کرده باشد؟ ظاهر ماده ۱۹ برداشت نخست را به ذهن متبادری کند، ولی علاوه بر تفسیر به نفع متهم که جایگاهی برتر در حقوق جزا دارد، تفسیر منطقی مواد ۱۹ و ۲۰ برداشت دوم را تقویّت می کند. توضیح آنکه یکی از مهمترین دلایلی که مقنّن برای اشخاص حقوقی مجازات در نظر گرفته این است که اشخاص حقوقی از ارتکاب جرم سود برده اند، از این رو لازم است تاوان این کسب منفعت نامشروع را بدهند. حال اگر مدیر یا کارمند قصد سود رساندن به شخص حقوقی را داشته اند درحالیکه هیچ سودی به شخص حقوقی نرسیده است، آیا عادلانه است که اشخاص حقوقی مجازات شوند. از طرفی عبارت «درآمد حاصله از ارتکاب جرم» در ماده ۲۰ نیز می تواند به پذیرش برداشت دوم کمک کند. نکته ای که لازم است مورد توجه قرار گیرد این است که اگر مدیر یا کارمند جرم رایانه ای را هم به قصد سود رساندن به خود یا دیگری (اعم از شخص حقیقی یا حقوقی) و هم شخص حقوقی که در آن سمت مدیر یا کارمند را دارد انجام دهد، باز شخص حقوقی مسؤلیّت کیفری خواهد داشت.

۵. جرم ارتكابی عمدی باشد- باتوجه به این که مدیر یا کارمند جرم رایانه ای را باید به قصد سود رساندن به شخص حقوقی انجام دهند، بنابراین اشخاص حقوقی تنها برای آن دسته از جرایم رایانه ای مسئولیت کیفری خواهند داشت که مدیر یا کارمند از روی عمد انجام داده باشد. زیرا در جرایم غیر عمدی، قصد تحقق نتیجه (سؤیّت خاص) وجود ندارد، بنابراین اگر جرم در اثر بی مبالاتی یا بی احتیاطی مدیر یا کارمند ارتکاب یابد با توجه به نبود قصد سود رساندن به شخص حقوقی، تنها مدیر یا کارمند مسئول است و شخص حقوقی از مسئولیت کیفری مبری است. برای مثال در ماده ۲۱ ارائه دهندگان خدمات دسترسی که در اثر بی مبالاتی یا بی احتیاطی مرتکب جرم موضوع این ماده شده اند، دارای مسئولیت کیفری شناخته شده اند؛ ولی باتوجه به آنچه گفته شد؛ این مجازات تنها برای مدیر یا کارمند شخص حقوقی است.

گفتار دوم - مجازات اشخاص حقوقی در قانون جرایم رایانه ای

به موجب ماده ۲۰ قانون جرایم رایانه ای اشخاص حقوقی موضوع ماده ۱۹ باتوجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتكابی، میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتكاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتكابی به ترتیب زیر محکوم می شوند:

الف- چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال.

ب- چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم، شخص حقوقی منحل خواهد شد.

نخستین مطلبی که در مورد این ماده باید گفته شود این است که میزان مجازات شخص حقوقی باتوجه به حداکثر مجازات آن جرم در قانون جرایم رایانه ای تعیین می شود و ملاک میزان مجازات مدیر یا کارمند نیست. از طرف دیگر همیشه میزان مجازات شخص حقوقی بیش از میزان مجازات مدیر یا کارمند است. دیگر اینکه ممکن است مدیر یا کارمند تنها به جزای نقدی یا حبس محکوم شوند؛ ولی شخص حقوقی در هر صورت هم به جزای نقدی و هم به تعطیلی یا انحلال محکوم خواهد شد، مگر اینکه مجازات آن جرم تنها حبس (ماده ۱۱) یا تنها جزای نقدی (تبصره ۲ ماده ۱۴) باشد، که در این صورت قاعدتاً مجازات شخص حقوقی تنها جزای نقدی یا تعطیلی خواهد بود.

گفتار سوم - تکرار جرم در قانون جرایم رایانه ای

با توجه به ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی، تکرار جرم حالتی است که شخص به خاطر ارتکاب جرمی قابل تعزیر و یا بازدارنده توسط دادگاه صالح محکوم و مجازات شده باشد و همان شخص مجدداً جرمی قابل تعزیر را انجام دهد. در این وضعیت که می تواند نشانه خطرناکی مجرم باشد، دادگاه می تواند در صورت شناسایی حالت خطرناک در مجرم، مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید کند. در ادامه این گفتار با استفاده از مواد ۲۰ قانون جرایم رایانه ای و ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی قواعد تکرار جرم بررسی خواهد شد.

پیش از بررسی قواعد تکرار جرم لازم است مشخص شود که جرایم رایانه ای، جزو جرایم قابل تعزیر هستند یا باید آنها را در گروه جرایم با مجازات بازدارنده قرار داد. مجازاتهای بازدارنده «مجازات هایی هستند که برای جرایم حکومتی وضع شده اند. جرایم حکومتی جرایمی هستند که برای نظم جامعه پیش بینی شده اند بدون آنکه سابقه شرعی داشته باشند مانند عبور غیر مجاز از مرز که سابقه شرعی ندارد»^۴. با توجه به اینکه جرایم رایانه ای مانند جاسوسی، شنود غیر مجاز و... دارای سابقه در شرع هستند، پس در گروه جرایم بازدارنده قرار نمی گیرند. ممکن است ایراد شود که برای مثال تخریب داده رایانه ای متعلق به دیگری دارای سابقه شرعی نیست، زیرا چند سالی نیست که از اختراع رایانه گذشته است. پاسخ به این پرسش در این نکته نهفته است که در جرایم رایانه ای، رایانه وسیله ارتکاب جرم است و

۴. مؤذن زادگان، حسعلی، تقریرات آیین دادرسی کیفری ۱، سال تحصیلی ۸۹-۸۸

ماهیت جرم را در این مثال که تخریب مال متعلق به دیگری است، تغییر نمی دهد. از سوی دیگر ماده ۵۵ قانون جرایم رایانه ای نیز بر این امر دلالت دارد.^۵

با توجه به اینکه در ماده ۲۰ جرم ارتكابی در مرتبه دوم همان جرم قبلی است؛ بنابراین مقنن در این ماده تنها تکرار جرم خاص را مورد شناسایی قرار داده است. از سوی دیگر تشدید مجازات به خاطر تکرار جرم در ماده ۲۰ تنها زمانی قابل اعمال است که مجازات جرم رایانه ای حبس و جزای نقدی یا تنها حبس باشد؛ زیرا جرم دوم همان جرم اول است بنابراین معنی ندارد مجازات جرمی را که تنها جزای نقدی است در صورت تشدید تعطیلی باشد؛ زیرا ما در تکرار جرم مجازات جرم را تشدید می کنیم. در واقع تشدید مجازات به معنی افزایش مقدار و کیفیت مجازات جرم است نه این نوع مجازات تغییر داده شود. بنابراین برای بررسی تکرار جرم خاص آن دسته از جرایم رایانه ای که مجازات قانونی آنها تنها جزای نقدی است، باید به ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد. با این توضیحات ادامه این گفتار در دو بخش بررسی خواهد شد:

۱. جرایم رایانه ای که مجازات آنها حبس و یا جزای نقدی به همراه حبس

است - نخستین مطلبی که لازم است گفته شود این است که تشدید مجازات علاوه بر مجازات ثابتی (سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتكابی) است که در هر صورت بر شخص حقوقی تحمیل می شود. از سوی دیگر لازم نیست سمت عضو شخص حقوقی که به نام شخص حقوقی و در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شده است، در هر دو مرتبه یکی باشد. بنابراین ممکن است در بار نخست مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم شود، ولی در بار دوم کارمند شخص حقوقی مرتکب جرم باشد. حتی ممکن است در هر دو مرتبه

۵. ماده ۵۵- شماره مواد (۱) تا (۵۴) این قانون (قانون جرایم رایانه ای) به عنوان مواد (۷۲۹) تا (۷۸۲) قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) با عنوان فصل جرایم رایانه ای منظور و شماره ماده (۷۲۹) قانون مجازات اسلامی به شماره (۷۸۳) اصلاح گردد.

مدیران شخص حقوقی مرتکب جرم شوند ولی هویت آنها یکی نباشد. ممکن است در مرتبه نخست شرکت مادر مرتکب جرم باشد ولی در مرتبه دوم یکی از شعبه های شرکت جرم را انجام دهد. دیگر اینکه با توجه به ماده ۲۰ قانون جرایم رایانه ای در صورت تکرار جرم توسط اشخاص حقوقی تشدید مجازات آنها الزامی است. بر خلاف تکرار جرم در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی که با تکرار جرم دادگاه مخیر در تشدید مجازات می شود، در قانون جرایم رایانه ای دادگاه ملزم است مجازات شخص حقوقی (تنها تعطیلی) را در صورت تکرار جرم تشدید کند.

۲. جرایم رایانه ای که مجازات آنها تنها جزای نقدی است - آنچه در بخش

نخست گفته شد در این نوع از جرایم نیز صادق است با این تفاوت که با تکرار جرم، دادگاه در تشدید مجازات مختار است.

گفتار چهارم - مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قوانین دیگر

اگرچه کشور ما دارای سابقه طولانی در پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی است؛ ولی لزوم پیش بینی موادی عام در قانون مجازات اسلامی، امری غیر قابل انکار است. در این گفتار اهم قوانینی که در آنها برای اشخاص حقوقی مجازات پیش بینی شده است؛ آورده شده است:

۱. ماده ۲۰۱ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ - در هر گونه اسناد و صورت حساب ها و اعلانات و نشریات و غیره که به صورت چاپی از طرف شرکتهای مذکور در این قانون به استثنای شرکتهای تعاونی صادر می شود، سرمایه شرکت باید صریحاً ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخت نشده باشد، قسمتی که پرداخت شده نیز باید صریحاً معین شود - شرکت متخلف به جزای نقدی از دویست تا سه هزار ریال محکوم خواهد شد.

تبصره - شرکتهای خارجی نیز که به وسیله شعبه یا نماینده در ایران اشتغال به تجارت دارند، در مورد اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده خواهند بود.

۲. ماده ۲۲۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ - هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را به صورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننماید، شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرا می گردد. هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتهای مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است، باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد

شد- این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکتها برای عدم ثبت مقرر شده [است].^۶

۳. قانون راجع به ضبط اموال احزابی که به استناد اصل ۲۱ متمم قانون

اساسی منحل گردیده است مصوب ۱۳۲۸/۴/۱- ماده واحده - اموال متعلق به هر حزب یا دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی که به هرنحویا از انحاء مشمول مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۵ قانون مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ بوده و از طرف دولت به استناد اصل ۲۱ متمم قانون اساسی منحل شده یا می شود ضبط می گردد و قیمت حاصل از فروش یا خود اموال به مصرف تعلیمات ابتدایی مجانی خواهد رسید...

۴. ماده ۲۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۳۴/۵/۸- مطبوعاتی که در آن دستور ماده ۶

مراعات نشده باشد، از یک تا سه هزار ریال محکوم می شوند و در صورتی که نام چاپخانه یا سایر نامهای مذکور در ماده ۶ برخلاف واقع چاپ شده باشد، مرتکب به مجازات ۲ تا ۶ ماه حبس تأدیبی محکوم می شود.

تبصره- دارندگان امتیاز روزنامه و مجله ای که به جهتی از جهات مندرجه در این قانون امتیاز آنها لغوشده باشد، حق ندارند به هیچ عنوان خود را روزنامه نگار معرفی کنند و در صورت تخلف به حبس تأدیبی از ۲ تا ۶ ماه محکوم خواهند شد.

۵. ماده ۴ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی

و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹- هر مؤسسه پزشکی و دارویی که امور فنی آن به اتکای پروانه اشخاص ذیصلاحیت توسط افراد فاقد صلاحیت اداره شود، از طرف وزارت بهداشت تعطیل و صاحب پروانه برای بار اول تا یک سال و برای دفعات بعد هر دفعه تا دو سال حق افتتاح مجدد آن مؤسسه را حتی به نام دیگری نخواهد داشت و شخص یا اشخاص فاقد صلاحیت به مجازات مذکور در ماده ۳ محکوم خواهند شد.

۶. در متن روزنامه رسمی، واژه «است» آورده نشده که درست نیست.

۶. ماده ۱۵ قانون اقدامات تأمینی مصوّب ۱۳۳۹/۲/۱۲ - هر مؤسسه‌ای که وسیله

ای برای ارتکاب جرم گردد، از قبیل مؤسساتی که در آنها فروش اجناس قاچاق یا موادمخدره یا سمیات غیر از آنچه برای احتیاجات طبی یا کشاورزی است، به عمل آید، یا مؤسساتی که موجب تسهیل وسایل برای اعمال منافی عفت هستند، به دستوردادگاه که در ضمن حکم مجازات داده می‌شود، بسته خواهند شد. بعد از قطعیت حکم بستن مؤسسه محکوم یا اشخاصی که محل از طرف محکوم به آنها به هر نحو واگذار گردیده است، نمی‌توانند در آنجا به بازرگانی یا صنعت قبلی اشتغال ورزند. تخلف از این حکم موجب محکومیت به جزای نقدی از ده هزار ریال تا صد هزار ریال و بستن مجدد مؤسسه خواهد بود.

۷. ماده ۲۰۱ قانون مالیات های مستقیم مصوّب ۱۳۴۵/۲/۲۸ - در صورتی که

بانکها و شرکتها و مؤسسات و اشخاصی که مالی از متوفی نزد خود دارند، از اجرای مواد ۱۹۲ و ۱۹۵ تخلف نمایند، علاوه بر اینکه تا معادل ارزش مالی که نزد آنها بوده با وراثت نسبت به پرداخت مالیات و جرائم و زیان دیرکرد متعلق به آنان مسئولیت تضامنی دارند، مشمول جریمه‌ای معادل پنج درصد قیمت مال خواهند بود.

۸. ماده ۲ قانون حمل و نقل و مبادله محمولات و مرسولات پستی وزارت پست

و تلگراف و تلفن توسط مؤسسات و شرکتهای خصوصی حمل و نقل و بار
و مسافر مصوّب ۱۳۴۵/۹/۱۵ - هر یک از مؤسسات و شرکتهای حمل و نقل خصوصی، چنانچه پس از عقد قرارداد از حمل و مبادله محمولات و مرسولات پستی خودداری نمایند، پس از شکایت واحد پستی به مراجع قضایی مربوطه و احراز تخلف، به توقیف پروانه از یک تا سه ماه محکوم می‌شود. این رأی قطعی و غیر قابل پژوهش بوده، مدلول آن به دستور و نظارت دادسرای محل توسط مراجع انتظامی و دبیرخانه شورای عالی هماهنگی ترابری کشور اجرا خواهد شد.

تبصره- چنانچه شرکتهای پیمانکاران نحوه اجرای مفاد قرارداد شکایتی داشته باشند، می‌توانند شکایت خود را به ادارات کل پست تسلیم نمایند، وزارت پست و تلگراف و تلفن موظف است در اسرع وقت به آن گونه شکایات رسیدگی و در صورت احراز تخلف مأموران پست نسبت به تعقیب آنها برابر مقررات مربوطه اقدام نماید.

۹. ماده ۱ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب

۱۳۶۷/۱۲/۲۳- ایجاد مؤسسات پزشکی غیرمجاز توسط اشخاص فاقد صلاحیت از نظر تخصصی جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌گردد:

مرتبه اول - تعطیل مؤسسه و ضبط کلیه ملزومات مؤسسه به نفع دولت.

مرتبه دوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول، جریمه نقدی به میزان یک میلیون تا ده میلیون ریال و اعلام نام درج نماید.

مرتبه سوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم، زندان از شش ماه تا یک سال

۱۰. ماده ۳۱ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب

۱۳۶۷/۱۲/۲۳- تولید مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی که با علامت و بسته‌بندی مشخص به صورت بازرگانی عرضه می‌گردد، طبق فهرست ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ و ۹ قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی منوط به اخذ پروانه ساخت از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد و تخلف از آن جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود:

مرتبه اول - تعطیل واحد تولیدی غیرمجاز بلافاصله و ضبط کالای تولیدی به نفع دولت.

مرتبه دوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول، جریمه نقدی تا مبلغ ده میلیون ریال با توجه به حجم تولید غیرمجاز.

مرتبه سوم - علاوه بر مجازات‌های مرتبه دوم، ضبط لوازم تولیدی به نفع دولت.

چنانچه واحد تولیدی مجاز بدون کسب پروانه ساخت اقدام به تولید کالایی نماید:

مرتبه اول - تعطیل خط تولید و ضبط کالای تولیدی به نفع دولت.

مرتبه دوم - علاوه بر مجازات‌های مرتبه اول، جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال با توجه

به حجم تولید.

مرتبه سوم - علاوه بر مجازات‌های مرتبه دوم تعطیل واحد تولیدی تا مدت شش ماه.

۱۱. ماده ۱۷ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ - در مواردی که

کالابر خلاف ضوابط و مقررات توزیع یا قیمت به صورت عمده در اختیار اشخاص غیر واجد شرایط جهت فروش قرار گیرد، علاوه بر مجازات فروشنده، اشخاص حقیقی یا حقوقی خریدار کالا نیز به پرداخت جریمه معادل یک تاسه برابر درآمد من غیر حق محکوم می گردند.

تبصره: در صورتی که کالا توسط خریدار به فروش نرفته باشد، ضمن استرداد عین کالا، کلیه

هزینه‌های جنسی به عهده خریدار می باشد.

۱۲. ماده ۶ قانون الزام شرکتها و مؤسسات ترابری جاده ای به استفاده از

صورت وضعیت مسافری و بارنامه مصوب ۱۳۶۸/۲/۲۱ - چنانچه شرکتها و مؤسسات

ترابری جاده ای مسافرو کالابر حسب نوع فعالیت از اوراق مذکور در مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ این

قانون استفاده نمایند و یا مبادرت به استفاده از اوراق عادی به عنوان صورت وضعیت مسافری

یا بارنامه نمایند یا به طور غیر مجاز صورت وضعیت مسافری یا بارنامه تهیه و مورد استفاده

قرار دهند یا مشخصات مسافرو محموله با اوراق مذکور مطابقت نداشته باشد و یا مندرجات آنرا

تکمیل نمایند و یا اوراق مذکور در این قانون را به اشخاص دیگر و غیر مجاز واگذار نمایند،

متخلف محسوب و با رعایت شرایط و امکانات خا طی و دفعات و مراتب جرم و مراتب

تأدیب، وعظ، توبیخ و تهدید و پس از آن برای بار اول از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی و برای بار دوم از ۵۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی و برای بار سوم از ۱۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۲۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی و تعطیل از ۱ ماه تا ۳ ماه (دستمزد کارکنان مؤسسه یا شرکت در مدت تعطیل بوسیله صاحب امتیاز پرداخت خواهد شد) و برای بار چهارم مجوز فعالیت مدیران و صاحبان امتیاز آنها لغو، و مجوز فعالیت مجدد در امر حمل و نقل برای آنها صادر نخواهد شد. میزان مجازات در هر مورد بانصب پلاکارد در محل اعلام می‌گردد و مراتب در هرنوبت به وزارت راه و ترابری منعکس خواهد شد.

۱۳. ماده ۱ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ - هر شخص حقیقی یا حقوقی که مبادرت به هر گونه اعمالی برای معرفی آثار سمعی و بصری غیر مجاز به جای آثار مجاز نماید و یا با تکثیر بدون مجوز آثار مجاز، موجب تضییع حقوق صاحبان اثر شود، اعم از جعل برچسب رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی الصاق شده بر روی نوار و لوح های فشرده صوتی و تصویری (CD) و یا تعویض نوار یا محتوای داخل کاست نوار دارای برچسب و نظایر آن، بر حسب مورد علاوه بر مجازات جعل و پرداخت خسارت وارده در جایی که تضییع حق موجب خسارت مالی است در صورت مطالبه صاحبان اثر خسارت وارده را جبران می‌کند و در هر حال به جریمه نقدی از دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال محکوم می‌شود.

گفتار آخر – فواید پیش بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی

پیش بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی دارای فوایدی است که در زیر مورد بررسی قرار می گیرد:

۱. تضمین سلامت اشخاص حقوقی از طریق واداشتن سهامداران و مدیران به دقت بیشتر در انتخاب اعضای اشخاص حقوقی - پیش بینی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی موجب می شود سهامداران در انتخاب مدیران و مدیران در انتخاب نمایندگان و کارکنان دقت بیشتری به عمل آورند. اگر مسئولیت رفتار مجرمانه مدیران تنها متوجه خود ایشان باشد، طبیعی است که هیچ دغدغه خاطری برای سهامداران در برابر خطاهای مدیران وجود ندارد و حداکثر نگرانی آنها به کاهش سود شرکت باز می گردد و لازم نمی دانند در بند سلامت رفتار مدیران منصوب خویش باشند در حالیکه که اگر مسئولیت به شخص حقوقی نیز توجه یابد و سهامداران بدانند که اگر مدیر دست به رفتار ناصواب و قانون شکنی بزند، آنان نیز به طور غیر مستقیم و به واسطه مجازات شرکت، خسارت خواهند دید، آنگاه علاوه بر آنکه در انتخاب مدیر یا مدیران به توانایی های او برای دستیابی به سود بیشتر توجه دارند به شایستگی های او برای حفظ سلامت شرکت و رفتار های قانونی نیز توجه خواهند نمود. همین امر عیناً در مواردی که مدیران به انتخاب مدیران میانی یا نمایندگان و کارکنان می پردازند نیز صادق است. بدین ترتیب با پیش بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی تا حد زیادی از رفتارهای مجرمانه پیشگیری به عمل می آید.

۲. رهایی از مشکل یافتن شخص حقیقی مقصر در مجموعه مدیران و کارکنان اشخاص حقوقی - اشخاص حقوقی نوعاً می توانند شخص خطا کار واقعی را در هزار توی خود پنهان سازند، بویژه هرچه بزرگتر باشند و بوروکراسی بیشتری داشته باشند این خاصیت در ایشان قوی تر است، لذا در اشخاص حقوقی قدرتمند، یافتن فردی که مجرم

واقعی است غالباً کار دشواری است در حالیکه خطر ورود آسیبهای شدید از ناحیه این گونه اشخاص حقوقی بیشتر است. این امر سبب می شود که اشخاص حقوقی به عنوان سپر بلای مجرمان بویژه مجرمان یقه سفید مورد سواستفاده قرار گیرند. از همین روی، راه جلوگیری از آنکه اشخاص حقوقی به پناهی برای مجرمان یقه سفید تبدیل شوند پیش بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی است. از طرف دیگر دستگاه قضائی به دنبال یافتن مجرم اصلی، مواجه با پیچ و خم درون شخص حقوقی نمی گردد و به یک تحقیقات دشوار و طولانی گرفتار نمی شود و با محکومیت شخص حقوقی تا حد زیادی به اهداف مجازات نائل می آید.

۳. جبران زیان خسارت زیان دیدگان به نحو مناسب تر - جرائم اشخاص حقوقی

با ورود زیان به نظم اجتماعی در زمینه های مختلفی از جمله حقوق مصرف کنندگان، محیط زیست، بهداشت عمومی و قوانین ضد انحصار همراه است و این خسارت معمولاً بسیار سنگین تر از آن هستند که جبران آنها در توان مدیر یا کارکنان خاطی باشد و ممکن است دارایی کافی برای جبران خسارت و جریمه نداشته باشند در حالی که دارایی خود شرکت از حیث وثیقه نسبت به دارایی مدیران مسئول بیشتر قابل اطمینان است.

۴. کاستن از مجازاتهای سالب آزادی یا صدمه بدنی بر مدیران و کارکنان

اشخاص حقوقی - عدم پیش بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی موجب می شود تا همه مجازات متوجه مدیران گردد و واضح است که مجازات مالی مدیران باید متناسب با توان آنها باشد که عمدتاً متناسب با شدت جرائم ارتكابی نیست و لذا در بسیاری موارد منتهی به اعمال مجازاتهای سالب آزادی یا صدمه بدنی بر مدیران و یا کارکنان اشخاص حقوقی می شود. بدین ترتیب از منظر هزینه - فایده باید پذیرفت که با این روش، مدیران که معمولاً از افراد تحصیلکرده و با تجربه انتخاب می شوند به زندان افتاده و بخشی از توان فنی و مدیریتی اجتماع از فرایند فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی خارج می شود. اما در قبال این هزینه اجتماعی فائده ای که عاید جامعه می شود به شرحی که قبلاً گذشت مصون ماندن از خطرات جرائم

اشخاص حقوقی نیست؛ زیرا چه بسا مدیر دیگری که به جای آنها برگزیده شود نیز در آن محیط و با آن شرایط ناگزیر از ادامه همان مسیر باشد. از طرفی، روشن است که اعمال مجازات های سالب آزادی علاوه بر هزینه هایی که برای دولت دارد باعث بدآموزی درون زندان نیز می شود و اصولاً اولین انتخاب دولت برای کیفر نیست. از این رو، پیش بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی تنها راهی است که باعث می شود تا با تحمیل مجازات بر اشخاص حقوقی که عمدتاً مالی است از موارد مجازاتهای سالب آزادی کاسته شود و در عین آنکه جامعه هزینه کمتری برای مجازات می پردازد فایده بیشتری بدست آورد.

فهرست منابع

الف - جزوه

مؤدّن زادگان، دکتر حسنعلی، جزوه آیین دادرسی کیفری ۱، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، سال تحصیلی ۸۹-۸۸

ب - قانون

۱. قانون الزام شرکتها و مؤسسات ترابری جاده ای به استفاده از صورت وضعیّت مسافری و بارنامه مصوّب ۱۳۶۸

۲. قانون اقدامات تأمینی مصوّب ۱۳۳۹

۳. قانون تجارت مصوّب ۱۳۱۱ (لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوّب ۱۳۴۷)

۴. قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوّب ۱۳۶۷

۵. قانون تعزیرات حکومتی مصوّب ۱۳۶۷

۶. قانون جرایم رایانه ای مصوّب ۱۳۸۸

۷. قانون حمل و نقل و مبادله محمولات و مرسولات پستی وزارت پست و تلگراف و تلفن توسط مؤسسات و شرکتهای خصوصی حمل و نقل و بار و مسافر مصوّب ۱۳۶۰

۸. قانون راجع به ضبط اموال احزابی که به استناد اصل ۲۱ متمم قانون اساسی منحل گردیده است مصوّب ۱۳۲۸

۹. قانون مالیات های مستقیم مصوّب ۱۳۴۵

۱۰. قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۷۰ (کتاب پنجم تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوّب ۱۳۷۵

۱۱. قانون مدنی مصوّب ۱۳۰۷

۱۲. قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردهنی و آشامیدنی ۱۳۳۴

۱۳. قانون مطبوعات مصوّب ۱۳۳۴

۱۴. قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیر مجاز می نمایند مصوّب ۱۳۸۶